

مدل‌یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان

با رابطه مربی - ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

پدیده بلوری‌زاده^۱

فرشاد تجاری^۲

علی زارعی^۳

محمد رضا اسمعیلی^۴



10.22034/SSYS.2022.1488.2027

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۰

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تجربه بازیکنان بسکتبال بانوان ایران از سوءرفتار در رابطه مربی - ورزشکار و تاثیر آن بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری است. این مطالعه به روش توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمام ورزشکاران زن تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات لیگ دسته یک و سوپرلیگ بسکتبال با تعداد ۲۳۰ نفر از ۲۱ تیم (۱۱ تیم در لیگ برتر و ۱۰ تیم در لیگ دسته ۱) بود و نمونه‌گیری به شیوه در دسترس و تمام‌شمار انجام شد. به منظور بررسی و مطالعه اهداف پژوهش، از سه پرسشنامه - «پرسشنامه سوءرفتار» بلوری‌زاده (۲۰۱۳) با ۱۶ گویه ($\alpha = 0/88$)، «پرسشنامه رابطه مربی - ورزشکار» جووت و تومانیس (۲۰۰۴) با ۱۱ گویه ($\alpha = 0/88$) و «مقیاس ادراک اثربخشی مربیگری» کاواسانو و همکاران (۲۰۰۸) با ۲۴ گویه ($\alpha = 0/92$) - و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید.

نتایج معادلات ساختاری نشان داد که سوءرفتار مربیان اثرات منفی بر ابعاد ساختاری رابطه مربی - ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری می‌گذارد ($\beta = -0/59$) و ($\beta = -0/492$). باین حال، تاثیر متقابل دو مؤلفه رابطه مربی - ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری بر سوءرفتار مربیان تایید نگردید. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای رابطه مربی - ورزشکار بر روی ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری ($\beta = 0/78$) تاثیر مثبت

۱ دکترای مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ استاد، مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Far.Tojari@iauctb.ac.ir

۳ دانشیار، مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دارد. این مطالعه بینشی را برای مربیان در مورد حفاظت از ورزشکاران در مقابل سوءرفتار فراهم می‌آورد که بتوانند ارتباط خود را با ورزشکاران بهبود بخشند و ورزشکاران نیز درک مثبتی از اثربخشی مربیگری داشته باشند. **واژگان کلیدی:** سوءرفتار، رابطه مربی - ورزشکار و اثربخشی مربیگری.



مقدمه

ماموریت کمیته بین‌المللی المپیک، قرار دادن ورزشکاران و منافع آن‌ها در قلب جنبش المپیک است. ترویج ورزش به دور از آزار و سوءاستفاده اعم از جسمی و ذهنی و مبتنی بر محافظت از سلامت جسم و ذهن در فضای تمرین و رقابت از سوی سازمان‌های به رسمیت شناخته شده کمیته بین‌المللی المپیک باید حمایت شود و عدم پایبندی و پذیرش آن نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حمایت از حقوق بشر و قوانین اخلاقی کمیته بین‌المللی المپیک و پارالمپیک محسوب می‌شود. حفاظت و حمایت از ورزشکاران در برابر آزار و اذیت و سوءرفتار^۱ در ورزش، در اصول بنیادی جهانی برای مدیریت مطلوب المپیک و جنبش‌های ورزشی گنجانده شده است. این اصول در سال ۲۰۰۸ تشریح شد و دستورالعمل‌های مربوط به حفاظت از ورزشکاران در مقابل اذیت و آزار و سوءاستفاده، برگرفته از مجمع بین‌المللی ورزشکاران ۲۰۱۵ و قوانین اخلاقی کمیته بین‌المللی المپیک ۲۰۱۶ توسط هیئت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک تصویب شد، در دستور کار المپیک ۲۰۲۰ توکیو قرار گرفت و کمیته‌های وابسته به المپیک مکلف شدند تا به آن‌ها پایبند شوند. در عین حال، کمیته بین‌المللی المپیک تمامی کمیته‌های ملی المپیک زیر مجموعه خود را ملزم به تشکیل «شورای حفاظت از ورزشکاران در مقابل آزار، اذیت و سوءرفتار در ورزش» کرده است (مونت جوی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۷۶).

اولین مطالعات در مورد خشونت و سوءرفتار بیشتر در حوزه کودکان و زنان و محیط کار صورت گرفته است. از اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، با برخی گزارشات مبنی بر تعارض علیه ورزشکاران، به‌ویژه ورزشکاران زن، این مطالعات در حوزه ورزش نیز به شکل گسترده‌تری آغاز شد (فستینگ^۳، ۲۰۰۵). اولین پایش در کانادا بر روی جامعه آماری از ورزشکاران بازنشسته و فعال حرفه‌ای (N=۱۲۰۰) انجام گرفت و نتایج پژوهش بر بروز بدرفتاری‌ها و تعارضات جنسی به ورزشکاران صحه گذاشت (فستینگ، ۲۰۰۵). در پی ازدیاد علاقمندی مجامع بین‌المللی به این موضوع در ورزش، استرلینگ^۴ (۲۰۰۹: ۱۰۹۱) در مقاله‌ای تعریف و چارچوبی مفهومی برای بدرفتاری در ورزش ارائه داد. بر مبنای تعریف او، بدرفتاری شامل رفتارهایی است که با قصد و نیت آشکار و یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی، اجتماعی به فرد دیگر صورت می‌گیرد و به اشکال مختلف در محیط‌های ورزشی تجربه می‌شود

1 Abuse
2 Mountjoy
3 Fasting
4 Stirling

(استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر^۱، ۲۰۱۳: ۸۷) مربیان، والدین، مدیران، داوران و ورزشکاران همگی از جمله قربانیان و یا مقدمه‌سازان بدرفتاری محسوب می‌شوند (استرلینگ، ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷). بدرفتاری، با توجه به ماهیت ارتباط بین افراد به دو دسته ارتباطی و غیرارتباطی تقسیم می‌شود. بدرفتاری غیرارتباطی، باتوجه به عمق رابطه، به اشکال مختلفی مانند آزار و اذیت، زورگویی، استعمار یا انحراف و یا ارتباط غیرانتقادی بروز می‌کند (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر، ۲۰۰۸: ۸۹). بدرفتاری ارتباطی را «سوءرفتار» نیز می‌نامند و شامل چهار زیرمجموعه است: سوءرفتار جسمانی، سوءرفتار جنسی، سوءرفتار عاطفی و بی‌توجهی. این چهار شکل از بدرفتاری را در اصطلاح «ناهنجاری‌های ارتباطی» می‌نامند، چرا که در شرایط نقش‌های ارتباطی بروز می‌کنند. نمونه‌های این گونه روابط در ورزش مواردی مانند ارتباط ورزشکاران با والدین، مربیان، و هم‌تیمی‌ها در نقش راهنما را شامل می‌شود. در هر دو شکل از بدرفتاری عدم توازن در قدرت از عوامل بسیار مؤثر در تحریک چنین رفتارهایی از سوی مربیان است (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ کر و استرلینگ، ۲۰۱۹: ۳۶۷؛ لافرنیر^۲، جوت^۳، والراند^۴ و کاربونو^۵، ۲۰۱۱: ۱۴۴۲). سوءرفتار مربی شامل الگوهای تکرارشونده از اتفاقات و رفتارهایی است که تلویحا پیام بی‌ارزشی، ناخواسته‌بودن، بی‌اهمیت‌بودن، ابزاری برای لذت جنسی بودن، ضعیف و مستحق تنبیه بدنی بودن را به ورزشکار القا می‌کند.

سوءرفتار عاطفی، به هرگونه اقدام غیرجسمی عمدی، توهین آمیز و سرکوبگرانه‌ای گفته می‌شود که با هدف آسیب رساندن به شخص صورت می‌گیرد (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۹-۱۰۹۱؛ الیاسون، ۲۰۱۹؛ استرلینگ و کر، ۲۰۰۸: ۸۹؛ گوین^۶، ۲۰۱۱: ۵۰۳). هرگونه آسیب جسمی و غیرجسمی به ورزشکار که معمولا به صورت غیرتصادفی و عمدی صورت می‌گیرد، از جمله انواع تنبیه‌ها مانند تمرین‌های بدنی زیاد از حد (بدون ضرب و شتم) و یا تنبیه بدنی (همراه با ضرب و شتم)، سوءرفتار جسمی محسوب می‌شود (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷؛ مک میهان^۷

-
- 1 Kerr
 - 2 Lafrenière
 - 3 Jowett
 - 4 Vallerand
 - 5 Carbonneau
 - 6 Gavin
 - 7 McMahan

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

و مک گنون^۱، ۲۰۱۹: ۲۸؛ استفورد^۲، الکساندر^۳ و فرای^۴، ۲۰۱۳: ۲۸۷؛ هگی و ارا^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۱؛ یابه^۶ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۹۷).

سوءرفتار جنسی به هر گونه تعامل جنسی با شخص یا اشخاص در هر سنی بر خلاف میل و رضایت قربانی یا به شیوه‌ای تهاجمی، تهدیدی، با هدف بهره‌برداری یا با هدف سوءاستفاده (مانند کلیشه‌های تبعیض‌آمیز و توهین‌آمیز، شوخی‌های جنسی، ارباب، رویکردها و اقدامات جنسی) اطلاق می‌شود که به دو صورت لمسی و غیر لمسی اتفاق می‌افتد (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ تیمپکا^۷ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱). بی‌توجهی، به محرومیت همه‌جانبه از توجه اشاره دارد و شامل بی‌توجهی منفعل یا منفعل/تهاجمی نسبت به نیازها، تربیت و سلامت فرد، کمک‌رسانی و راهنمایی کردن به فرد است که در آینده سبب آسیب‌های جسمی و روحی یا عاطفی به فرد می‌شود (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ ورتومن^۸ و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۲۳). فورتیر^۹، پرنٹ^{۱۰} و لسارد^{۱۱} (۲۰۲۰: ۴) بی‌توجهی را یک آسیب جدی و از اساسی‌ترین صدمات می‌دانند.

این سوءرفتارها، عواملی استرس‌زا برای ورزشکاران هستند و تأثیرات منفی بر روابط مربی-ورزشکار خواهند گذاشت (آدی^{۱۲} و جووت، ۲۰۱۰: ۲۷۵۰) و در نهایت می‌تواند به عملکرد ورزشکار آسیب برساند (کاوانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱؛ کارلتون^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۰۹؛ دیویس^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۸۵)، در حالی که رهبری و مربیگری موفق مستلزم ایجاد رابطه‌ای با کیفیت با ورزشکار است (لیزینسکین^{۱۵}، ۲۰۱۸: ۷۴). در نتایج پژوهش‌های جاری بر روی مربیان و رهبران دارای سبک همراه با سوءرفتار (همپسون^{۱۶} و جووت، ۲۰۱۴: ۲۵۴؛ کارلتون، ۲۰۱۵:

- 1 McGannon
- 2 Stafford
- 3 Alexander
- 4 Fry
- 5 Hagiwara
- 6 Yabe
- 7 Timpka
- 8 Vertommen
- 9 Fortier
- 10 Parent
- 11 Lessard
- 12 Adie
- 13 Carleton
- 14 Davis
- 15 Lisinskiene
- 16 Hampson

۴۰۹؛ لیزینسکین، ۲۰۱۸: ۷۴)، این سبک رهبری بسیار مخرب شناخته شده است که می‌تواند تأثیرات منفی نه تنها بر ورزشکاران، بلکه بر طرفداران و نیز تیم‌ها داشته باشد (سامرلی^۱، ۲۰۱۹: ۱؛ جووت و آرتور^۲، ۲۰۱۹: ۴۱۹). بنابراین، یک رابطه با کیفیت و سالم میان مربی و ورزشکار که دو جانبه نیز باشد، می‌تواند نقشی حیاتی در دستاوردهای دو طرف داشته باشد (کارلتون و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۰۹؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۸۵).

جووت و همکارانش معتقدند که در ساختار رابطه مربی-ورزشکار، میان مربی و ورزشکار یک رابطه منحصر به فرد و ویژه شکل می‌گیرد که در آن تمام احساسات، افکار و رفتارهای دو طرف مشترک و به هم مرتبط و وابسته هستند (جووت و آرتور، ۲۰۱۶: ۴۱۹). آن‌ها سازه‌های بین‌فردی صمیمیت^۳، تعهد^۴ و مکمل‌بودن^۵ را برای تعریف عملیاتی احساسات، تفکرات و رفتارهای مربیان و ورزشکاران به کار بردند (که به مدل 3C معروف است). این سازه‌ها به صورت مستقل در پژوهش‌ها و تئوری‌های بین‌فردی به شکل کلی بررسی شده‌اند. با وجود این، شامل بودن‌شان در یک الگوی ارتباطی همبسته در راستای تعریف رابطه مربی-ورزشکار است که به هم پیوستگی احساسات، تفکرات و رفتارهای اعضای رابطه را مبنا قرار می‌دهد. صمیمیت، به احساس پیوستگی عاطفی، اعتماد، احترام و قدردانی در روابط مربی-ورزشکار گفته می‌شود. تعهد، به نوعی تمایل ورزشکار و مربی برای حفظ همکاری طولانی مدت است و مکمل‌بودن به تعامل مشترک آن‌ها در حین تمرینات و رقابت‌ها گفته می‌شود. این سه عامل مؤثر بودن رابطه مربی-ورزشکار را نشان می‌دهند (جووت و آرتور، ۲۰۱۹: ۴۱۹).

در نتایج تحقیقات پژوهشگرانی که نقش عمده‌ای در خلق ادبیات مربوط به روابط مربی-ورزشکار داشته‌اند، همبستگی میان رفتار مربیان و کیفیت ارتباطشان با ورزشکاران گزارش شده است (استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷؛ مک ماهون و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۸). رابطه مربی-ورزشکار پدیده‌ای پیچیده است که از متغیرهای متفاوت تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. درک عملی این پیچیدگی از سوی مربیان و ورزشکاران به آن‌ها کمک می‌کند که روابط را توسعه بخشند و عملکرد و رضایتمندی را به حداکثر برسانند (جووت و آرتور، ۲۰۱۶: ۴۱۹). پژوهش‌ها اشاره می‌کنند که یک تعامل بین‌فردی منفی، سوءرفتار و بی‌توجهی، باعث تحلیل رفتگی در بین ورزشکاران (دفریز^۶ و

-
- 1 Summerley
 - 2 Arthur
 - 3 Closeness
 - 4 Commitment
 - 5 Complimentarity
 - 6 DeFreese

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

اسمیت^۱، ۲۰۱۴: ۶۱۹) و مانع اثربخشی هر دو طرف یعنی مربی و ورزشکار می‌شود (جووت و تومانیس، ۲۰۰۴: ۲۴۵؛ کاوانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱؛ جووت و آرتور، ۲۰۱۹: ۴۱۹). در حالی که یک رابطه ادراک‌شده با کیفیت، بین مربی و ورزشکار باعث ارتقای عملکرد ورزشکار (مونت جوی، ۲۰۲۰: ۳۶۷) و انگیزه (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ لانگستف^۲ و جرویس^۳، ۲۰۱۶: ۲۷۶؛ هانا^۴ و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۷۹)، اثربخشی جمعی بیشتر (هملین^۵ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۴؛ نیکولز^۶ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۶) و اثربخشی مربیگری (بویسن^۷، ۲۰۱۸: ۶) می‌شود.

اثربخشی مربیگری، بر اساس مدل سودمندی مربیگری ساخته شده است و برگرفته از اصول تئوری خودسودمندی بندورا^۸ (۱۹۹۷) است. در این تئوری، بندورا خودسودمندی را به عنوان «اعتماد به توانایی‌های شخص در به‌کارگیری شیوه‌ها و اقدامات برای نیل به اهداف تعیین شده» تعریف می‌کند. سپس، فلتز^۹ و همکاران (۱۹۹۹: ۷۶۵) الگوی "مدل سودمندی مربیگری" را معرفی کردند که بر مبنای آن سودمندی مربیگری به اعتقاد مربیان به میزانی تاثیرگذاری بر عملکرد و رشد ورزشکارانشان اشاره دارد. براساس مدل سودمندی مربیگری، اثربخشی مربیگری به توانایی مربیان در به‌کارگیری دانش، کفایت و مهارت‌هایشان در جهت پیشبرد سطح عملکرد و بهبود اجراهای بعدی ورزشکاران اطلاق می‌شود. درعین حال، ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربی منوط به این مهم است که تا چه اندازه نتیجه و پیشرفت‌شان را ناشی از توانایی و صلاحیت مربی برمی‌شمارند (بویسن، ۲۰۱۸: ۶).

فلتز و همکاران (۱۹۹۹: ۷۶۵) چهار عامل اصلی را در سودمندی مربیگری معرفی کردند: سودمندی در ارتباط با راهبرد بازی^{۱۰}، سودمندی در ارتباط با توانایی انگیزه‌بخشی^{۱۱}، سودمندی در ارتباط با توانایی آموزش تکنیک^{۱۲} و سودمندی در ارتباط با توانایی شخصیت‌سازی^{۱۳}. این‌ها، شاخص اعتماد مربیان را به توانایی‌هایشان در جذب بازیکنان مناسب برای تیم، اتخاذ تصمیمات تاکتیکی صحیح، و هدایت تیم در جهت کسب نتیجه‌ای موفقیت‌آمیز

-
- 1 Smith
 - 2 Longstaff
 - 3 Gervis
 - 4 Hannah
 - 5 Hamlin
 - 6 Nicholls
 - 7 Boysen
 - 8 Bandora
 - 9 Feltz
 - 10 Game Strategy
 - 11 Motivation
 - 12 Technique
 - 13 Character Building

در رقابت‌ها، افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در بازیکنان، ایجاد انسجام در تیم، آموزش و تعلیم مهارت‌های جدید به بازیکنان، نظارت و اصلاح تکنیک‌های آموخته‌شده و سوق دادن ورزشکار به سمت خودسازی و رشد مثبت شخصیتی دربرمی‌گیرد (بویسن، ۲۰۱۸: ۶).

کسب نتایج موفقیت‌آمیز در ورزش یک فرآیند مداوم و فعال است که به عوامل بسیاری بستگی دارد که تمرین تنها یکی از آنان است. در سطوح رقابتی، مربیان و ورزشکاران با توجه به وظیفه و جایگاه‌شان زمان زیادی را در کنارهم صرف تمرین، مسابقه، هدایت و مربیگری می‌کنند. دیدگاه برد به هر قیمت- که اغلب در ورزش رقابتی و قهرمانی مشاهده می‌شود- سبب هنجارسازی برخی رفتارها و عقاید در جامعه ورزش و گرایش برخی مربیان به استفاده از رفتارهای قدرت طلبانه برای کسب نتیجه شده است که از آن‌ها با عنوان «سوءرفتار» نام برده می‌شود. چنین دیدگاهی، علاوه بر مزایایی که برای تیم‌های ورزشی و ورزشکاران دارد، با تبعاتی نیز بر ورزشکاران مترتب است. ورزشکاران برای کسب برتری در ورزش به تحمل بار روانی و فیزیولوژیکی وحشتناکی واداشته می‌شوند؛ به گونه‌ای که خط میان سوءرفتار و تمرین نامشخص شده است (هملین و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۴).

امروزه، برنامه‌های حفاظت از ورزشکاران علیه آزار و اذیت و سوءرفتار و سوءاستفاده که به ابتکار کمیته بین‌المللی المپیک به همه فدراسیون‌ها و سازمان‌های مرتبط ابلاغ شده است، بر بروز این رفتارها در همه کشورهای جهان و در همه رشته‌های ورزشی و در همه سطوح صحنه می‌گذارد و احتمال وقوع آن را در برخی از رشته‌های ورزشی بیش از سایرین می‌داند (فستینگ، ۲۰۰۵). عدم دریافت گزارش در مورد سوءرفتار به معنای نبود آن نیست، بلکه نشان از آن است که هنوز تحقیقات و بررسی در این زمینه یا صورت نگرفته و یا امکان انجام تحقیق میسر نبوده است. از آنجا که ورزشکاران نیز مشمول قوانین حقوق بشر می‌شوند، باید از حقوق اساسی از جمله احترام به کرامت انسانی آن‌ها، آسایش جسمی و روانی‌شان، محافظت از سلامتی و ایمنی‌شان، اتکا به نفس و حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن مسائل‌شان بهره‌مند باشند. در عین حال که تجربه چنین رفتارهایی اثرات منفی بسیاری بر جسم و روح و عملکرد ورزشکار می‌گذارد، روابط بین فردی وی، از جمله روابطش با مربی را تحت شعاع قرار می‌دهد و ممکن است به انزوا، محرومیت اجتماعی و حتی اتخاذ رفتارهای پرمخاطره از جمله خودکشی منجر شود.

علاوه بر آن، هدف در مربیگری ایجاد تغییرات رفتاری در ورزشکاران است و مربیان به عنوان تنها نمونه‌های در دسترس این ورزشکاران در محیط تمرین و رقابت باید نسبت به رفتارهای خود آگاه باشند تا از یک سو، الگوی مناسبی را بر مبنای رفتارهای شایسته و توجه‌گرایانه و حمایتگر در اختیارشان قرار دهند و از سوی دیگر، ورزشکاران

پذیرای آموزش‌های ایشان باشند. بر همین اساس، استفاده از راهبردهای روش‌شناختی بسیار مهم است، زیرا امکانی را فراهم می‌آورند که در مورد تاثیر رفتار مربیان بر ادراک ورزشکاران از روابطشان با مربی و درپی آن، ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیان در الزام به تعهدات‌شان در کسب نتایج شفاف‌سازی صورت پذیرد. تحقیقات کیفی و مطالعات موردی در مقیاس‌های کوچک‌تر تا به امروز، زمینه را برای شناسایی مشکلات رفتاری در فضای ورزش قهرمانی فراهم کرده است، اما نیاز به مطالعات کمی برای مقایسه داده‌ها در مقیاس بزرگتر احساس می‌شود تا مسیر برای تدوین راهبردها و خط‌مشی‌های روش‌شناختی در مورد تاثیر الگوهای رفتاری آسیب‌زا از سوی مربیان مهیا شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی مدلی از ارتباط سوءرفتار مربیان با روابط آنها با ورزشکاران و تاثیر این ارتباط و نوع رفتار بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری در الزام به تعهدات‌شان در کسب نتایج انجام گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی می‌باشد که به شکل میدانی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل همه بازیکنان بسکتبال لیگ دسته یک و سوپر لیگ ایران ۱۱ از ۲۱ تیم شامل ۱۱ تیم در لیگ برتر با مجموع ۱۳۲ بازیکن و ۱۰ تیم در لیگ دسته ۱ با مجموع ۹۸ بازیکن است. روش نمونه‌گیری تمام‌شمار است و ۲۳۰ بازیکن در مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سابقه ارتباط مربی و ورزشکار از هفت ماه تا یازده سال با بازده متوسط ارتباط ۳/۷۷ سال در نظر گرفته شد. با توجه به قوانین کشوری، در سطح باشگاهی ورزشکاران زن تنها می‌توانند توسط مربیان زن آموزش ببینند. بنابراین، جنسیت شرکت‌کنندگان و مربیان آنها یکسان است.

مقیاس سوءرفتار (CAS) که توسط بلوری زاده در سال ۲۰۱۳ طراحی و تایید شده است، برای بررسی سوءرفتار استفاده شد. (بلوری زاده، ۲۰۱۳). این ابزار دارای ۱۶ گویه بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت، از عدد ۱ ("اصلاً موافق نیستم") تا عدد ۵ ("کاملاً موافقم")، و از چهار بعد سوءرفتار عاطفی، سوءرفتار جسمی، سوءرفتار جنسی و بی‌توجهی تشکیل شده است.

پرسشنامه رابطه مربی-ورزشکار (CART-Q) که توسط جووت و تومانیس در سال ۲۰۰۴ تهیه و تأیید شده است، به فارسی ترجمه شده و توسط بالزاده (۲۰۱۱) قابلیت اطمینان آن برای جامعه ایران مورد آزمایش قرار گرفته و تایید شده است، جهت بررسی رابطه مربی-ورزشکار بهره گرفته شد. این پرسشنامه ۱۱ گویه‌ای در مقیاس

۷ ارزشی لیکرت برای اندازه‌گیری جنبه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری رابطه مربی و ورزشکار ساخته شده و از سه متغیر صمیمیت، تعهد و مکمل بودن تشکیل گردیده است.

برای بررسی اثر بخشی مربیگری، از مقیاس ۲۴ موردی اثر بخشی مربیگری کاواسانو و همکاران (۲۰۰۸)، که بر اساس پرسشنامه خودکارآمدی فلتز (۱۹۹۹) ساخته شده است، در ۴ بعد انگیزه، راهبرد بازی، تکنیک و ساختاردهی شخصیت استفاده گردید.

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی بود. برای تحلیل داده‌های توصیفی از روش آماری توصیفی استفاده شد و از این طریق فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار محاسبه گردید. جهت تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها از چولگی استفاده شد. هم‌چنین، برای بررسی روابط بین متغیرها، اطلاعات به دست آمده از طریق ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

۲۳۰ بازیکن از ۲۱ تیم شامل ۱۱ تیم در لیگ برتر با مجموع ۱۳۲ بازیکن و ۱۰ تیم در لیگ دسته یک با مجموع ۹۸ بازیکن به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند که از این تعداد ۵۷ درصد از بازیکنان در مسابقات لیگ برتر و ۴۳ درصد از بازیکنان در مسابقات لیگ دسته ۱ بانوان بازی می‌کردند. نتایج یافته‌های توصیفی نشان داد که از لحاظ وضعیت سنی، بیشترین فراوانی به تعداد ۹۰ نفر به دامنه سنی ۲۵-۲۱ سال (حدود ۳۹ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۲۵ نفر به دامنه سنی بالای ۳۱ سال (حدود ۶ درصد) تعلق داشت. از لحاظ وضعیت تاهل، از بین افراد نمونه، تعداد نفر مجرد (حدود ۱۰ درصد) و تعداد ۲۰۵ نفر متاهل (حدود ۸۹ درصد) بودند. از لحاظ وضعیت تحصیلی، بیشترین فراوانی به تعداد ۱۲۲ نفر دارای مدرک کارشناسی (حدود ۵۳ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۳ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری (حدود ۱/۳ درصد) بودند. از لحاظ سابقه ورزشی بیشترین فراوانی به تعداد ۹۵ نفر به دامنه ۱۰-۶ سال (حدود ۴۱ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۱ نفر به دامنه بالای ۲۰ سال (حدود ۰/۴ درصد) بودند (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان

متغیر	سن	مدرک تحصیلی	وضعیت تاهل	سابقه رقابتی (سال)
-------	----	-------------	------------	--------------------

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

گروه‌ها	زیر ۲۰	۲۵-۳۱	۳۰-۳۶	بالای ۳۱	دانش آموز	دبیرم	کارشناسی-کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	مجرد	متاهل	زیر ۵	۱۰-۹	۱۵-۱۱	۲۰-۱۵	بالای ۲۰
درصد	۲۰	۳۹	۲۹	۱۱	۴	۲۶	۵۳	۱۶	۱	۸۹	۱۱	۲۸	۴۱	۳	۱۶	۱/۴
فراوانی	۴۷	۹۰	۶۸	۲۵	۹	۵۹	۱۲۲	۳۷	۳	۲۰	۲۵	۶۵	۹۵	۵۶	۱۳	۱

برای آزمون مدل ابتدا از آمار توصیفی استفاده گردید. نتایج بررسی آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و ضریب آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها در جدول ۲ آمده است. تمام ضریب‌های آلفای به دست آمده در سطح قابل قبول و بالاتر از $\alpha = 0/7$ قرار داشتند. پایایی مقیاس سوءرفتار مربیان برابر با $\alpha = 0/88$ ، $(p < 0/001)$ ؛ رابطه مربی-ورزشکار برابر با $\alpha = 0/88$ ، $(p < 0/001)$ ؛ و بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری برابر با $\alpha = 0/92$ ، $(p < 0/001)$ به دست آمد (جدول ۲).

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد، ضرایب آلفا و همبستگی

متغیر	M	SD	α	F	R	p
۱	۲۶/۹۶	۱۰/۵۷	۰/۸۸	۷۶۲/۰۶	۲	۰/۰۰۱
سوء رفتار مربی					۳	
رفتار عاطفی	۱۲/۴۸	۳/۹۹				
سوء رفتار جسمی	۳/۲۸	۱/۲۶				
سوء رفتار جنسی	۳/۷۰	۱/۷۴				
بی توجهی	۹/۰۵۴	۳/۷۹				
۲	۶۸/۰۹	۱۰/۷۳	۰/۸۸	۶۷۶/۷۶		۰/۰۰۱
رابطه مربی-ورزشکار						
صمیمیت	۲۵/۲۵	۳/۸۵				
تعهد	۱۷/۹۲	۳/۷۱				
مکمل بودن	۲۴/۶۱	۴/۲۰				

۳	ادراک ورزشکار از اثربخشی	۱۸۸	۴۶/۲۳	۰/۹۲	۳۷۹/۶۶
	مربیگری				
	انگیزه	۴۸/۲۵	۱۲/۹۲		
	راهبرد بازی	۵۶/۱۷	۱۵/۵۵		
	تکنیک	۴۹/۴۱	۱۳/۱۱		
	شخصیت‌سازی	۳۴/۱۶	۴۶/۲۳		

** ; $p < .01$; * . $p < .01$

نتایج همبستگی دو متغیره پیرسون نشان داد که بین سوء رفتار مربیان و رابطه مربی-ورزشکار همبستگی منفی وجود دارد ($r = -0/827$ ، $p < 0/001$). سوء رفتار مربیان با اثربخشی مربیگری درک شده نیز دارای همبستگی منفی بود ($r = -0/49$ ، $p < 0/001$). مهمترین رابطه بین متغیرها، هم بستگی مثبت بین رابطه مربی-ورزشکار و درک بازیکنان از اثربخشی مربیگری بود ($r = 0/827$ ، $p < 0/001$). بدین ترتیب، بررسی روابط متقابل متغیرها نشان داد که متغیر سوء رفتار مربیان با هر دو متغیر، روابط مربی- ورزشکار و درک بازیکنان از اثربخشی مربیگری، همبستگی منفی دارند؛ این در حالی است که رابطه مربی- ورزشکار با درک بازیکنان از اثربخشی مربیگری دارای همبستگی مثبتند. همچنین، به منظور بررسی پیروی داده‌ها از توزیع نرمال داده شاخص چولگی و کشیدگی بررسی شد و میزان چولگی و کشیدگی در بازه ± 2 قرار داشت. بنابراین، توزیع داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار بود.

نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم نشان داد که بارهای عاملی سوالات این مقیاس بالای ۰/۴ و از میزان قابل قبولی برخوردار است. این مدل در واقع تمامی معادلات اندازه گیری مرتبه اول و دوم (بارهای عاملی) را با استفاده از آماره t ، آزمون می‌کند. تمامی ضرایب برازش در آستانه مورد قبول قرار دارند. ضرایب NNFI، NFI، CFI همگی بالاتر از ۰/۹ قرار داشته و RMSEA و SRMR نیز کمتر از ۰/۰۸ هستند. در مرحله بعد، پایایی و روایی مدل مورد محاسبه قرار می‌گیرد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: شاخص‌های برازش اصلاح شده آزمون مقیاس

مقدار	شاخص برازش
۱/۷۵	χ^2/df
۰/۹۵	CFI
۰/۹۰	NFI

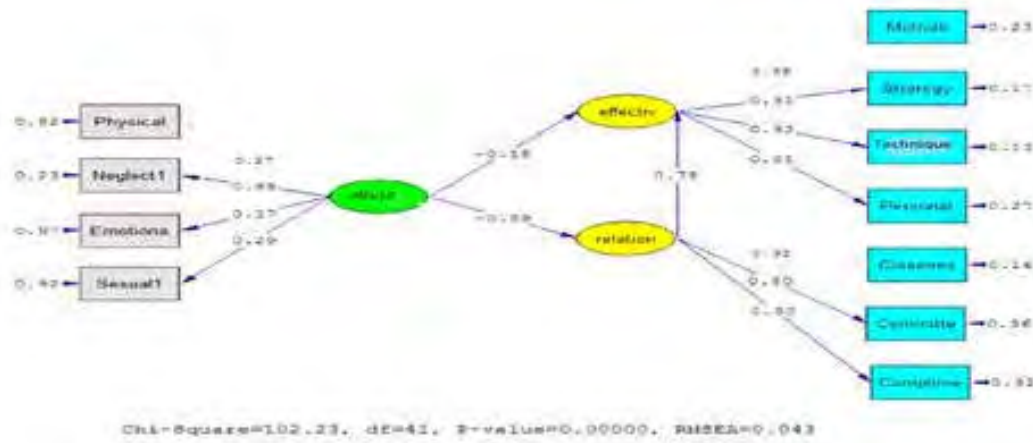
مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مریبان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

۰/۹۴	NNFI
۰/۰۶۶	RMSEA
۰/۰۷۲	SRMR

مدل بررسی شده در تحلیل عاملی تاییدی، دارای ۳ متغیر مکنون است: یک متغیر برونزا (سوءرفتار مریبان) و دو متغیر درونزا (رابطه مربی-ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده). شکل ۱ میزان تاثیر متغیر مکنون برونزا بر متغیرهای مکنون درونزا را نشان می دهد. آزمون مجذور کای عملکرد اندازه نمونه و از نظر مفهومی تفاوت میان مشاهدات و ماتریس های کواریانس مدل را نشان می دهد. اگر این مقدار ناچیز باشد، آزمایش تایید می کند که مدل بازتابی مناسب از ماتریس کواریانس نمونه است. با وجود این، مقادیر مجذور کای به اندازه نمونه حساس است و اتکای محض به این آمار در تفسیر نهایی مشکل ساز خواهد بود. بر همین اساس، مجذور کای استاندارد شده، از مجذور کای تقسیم بر درجه آزادی به دست می آید. مقادیر کوچکتر از ۳/۰ نشان دهنده کفایت مدل هستند.

از شاخص های مناسب دیگری مانند شاخص برازش مقایسه ای (CFI)، شاخص برازش استاندارد (NFI)، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) و باقیمانده ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR) نیز برای برآورد کیفیت مدل استفاده شد. مقدار قابل قبول برای CFI و NFI باید ۰/۹۰ یا بالاتر، برای RMSEA باید بین ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ با فاصله اطمینان و SRMR زیر ۰/۰۸ باشند تا برازش مدل قابل قبول شود (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱: ۳۹) با توجه به حساس بودن مجذور کای به اندازه نمونه، اگر اندازه نمونه بزرگتر از ۲۰۰ باشد یا دیگر شاخص ها برای مدل قابل قبول باشد، محققان از این مقدار چشم پوشی می کنند. مجذور کای نسبی یا استاندارد، شاخص مناسبی است که نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) را نشان می دهد و بیشتر برای کاهش وابستگی اندازه نمونه استفاده می شود.

همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، نتایج SEM حاکی از معناداری رابطه منفی سوءرفتار مریبان بر رابطه مربی-ورزشکار با ضریب تاثیر $-0/59$ ($p < 0/001$) و معناداری رابطه سوء رفتار مریبان و اثربخشی مربیگری ادراک شده با ضریب تاثیر $-0/18$ ($p < 0/001$) و نیز معناداری رابطه مربی-ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده با ضریب تاثیر $0/78$ ($p < 0/001$) است.



شکل ۱: مدل آزمون شده در حالت ضرایب تاثیر استاندارد

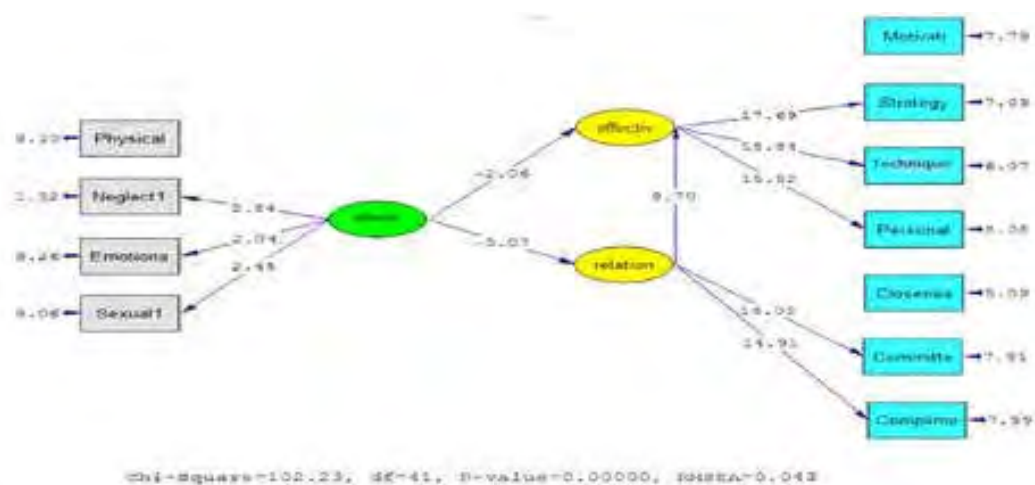
شاخص برازش استاندارد = ۰/۹۵؛ شاخص برازش غیراستاندارد = ۰/۹۶؛ شاخص برازش تطبیقی = ۰/۹۷؛ جذر میانگین مجذور خطای تخمینی = ۰/۰۴۳؛ مجذور کای = ۱۰۲/۲۳؛ درجه آزادی = ۴۱. تمام پارامترها استاندارد و معنی دار هستند ($p < 0.001$).

در جدول ۴، مقادیر به دست آمده از آزمون‌های آماری تحلیل مسیر در پژوهش حاضر گزارش شده‌اند. با توجه به این نتایج، تمامی شاخص‌های برازش در حد مطلوبی قرار دارند و می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های آماری تحلیل مسیر

P	t	β	
۰/۰۱ <	۲/۰۶-	۰/۵۹-	سوءرفتار مربی و رابطه مربی - ورزشکار
۰/۰۱ <	۳/۷۰-	۰/۱۸-	سوءرفتار مربی و اثربخشی مربیگری ادراک شده
۰/۰۱ <	۹/۷۰	۰/۷۸	رابطه مربی - ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مریبان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری



شکل ۲: مدل آزمون شده در تحلیل مسیر تاییدی

بعد از یافتن مدل متناسب و قابل قبول، در مرحله بعد مقدار t با تقسیم تخمین پارامتر بر خطای استاندارد، برای مشخص کردن تخمین پارامترهای مهم محاسبه شد. وقتی مقدار t از سطح $0/05$ ، به مقدار $1/96$ و از سطح $0/01$ ، به مقدار $2/56$ تجاوز می‌کند، تخمین پارامترها بسیار مهم و معنی‌دار هستند. نتیجه واریانس قابل توجهی را از سطح $0/01$ بین نتایج نشان داد که این مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است ($p < 0/001$)، $N=203$ ، $\chi^2(df=41)$ و سایر شاخص‌های مناسب، در محدوده قابل قبول قرار داشتند.

($SRMR=0/046$ ، $RMSEA(90\%CI)=0/043$ ، $NNFI=0/96$ ، $NFI=0/95$ ، $CFI=0/97$ ، $\chi^2/df=2/49$)

بنابراین با توجه به تعداد قابل قبول نمونه‌ها و مقادیر پذیرفته شده برای مجذور کای مانند دیگر مقیاس‌ها بدیهی بود که نیازی به آزمایش بیشتر مدل‌های جایگزین نبود و مدل فرضی متناسب خوبی را ارائه می‌داد. نتایج این آزمون در جدول ۵ گزارش شده است:

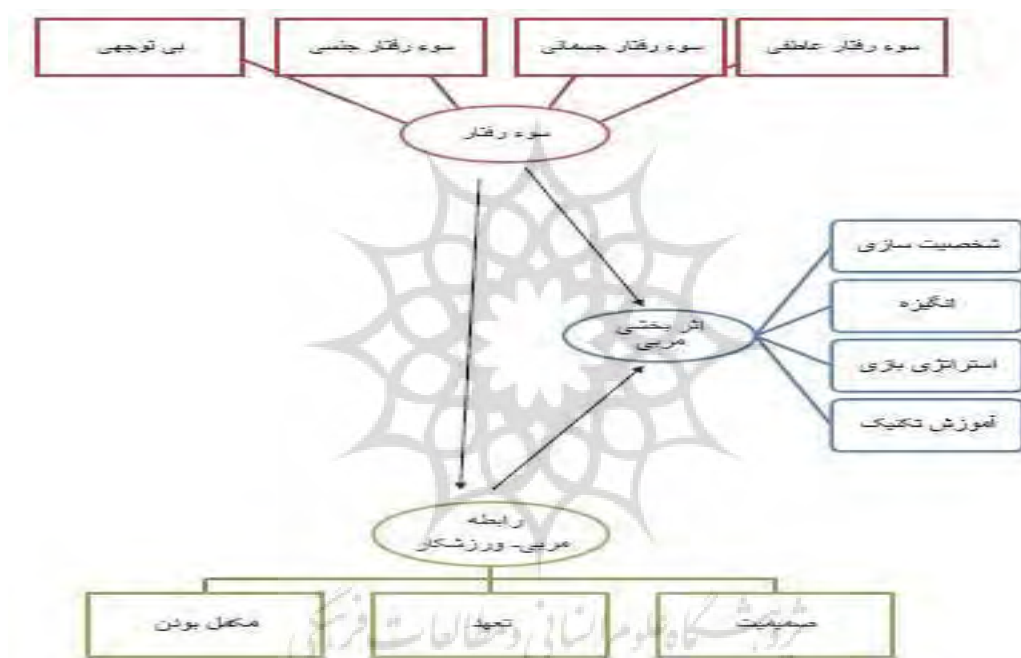
جدول ۵: نتایج آزمون‌های آماری تحلیل مسیر تاییدی

p	t	β	
$0/001 <$	$2/06 -$	$0/59 -$	سوءرفتار مربی و رابطه مربی-ورزشکار
$0/001 <$	$3/70 -$	$0/18 -$	سوءرفتار مربی و اثربخشی مربیگری ادراک شده
$0/001 <$	$9/70$	$0/78$	رابطه مربی-ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده

بنابراین، نتایج مطالعه، مدل مطرح شده را تایید می‌کند (شکل ۳). این مدل بیان می‌کند که نحوه تعامل مربیان و رفتار آنها در مقابل ورزشکاران، رابطه‌ای که با آنها می‌سازند را شکل می‌دهد.

شکل ۳: مدل سوءرفتار مربیان، ارتباط مربی- ورزشکار و بردارک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط سوءرفتار مربیان بر رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری پرداخته شده است. نتایج مطالعه نشان داد که سوءرفتار مربی رابطه منفی و معنی‌داری بر رابطه مربی- ورزشکار دارد. باتوجه به این یافته‌ها، متغیرهای سوءرفتار عاطفی، سوءرفتار جسمی،



سوءرفتار جنسی و بی توجهی می‌توانند با ۹۵ درصد اطمینان پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری برای رابطه مربی- ورزشکار یعنی صمیمیت، تعهد و مکمل بودن باشند. از میان این چهار متغیر، بی توجهی بیشترین سهم را در پیش‌بینی مؤلفه رابطه مربی- ورزشکار دارد. به همین منوال، متغیرهای سوءرفتار می‌توانند با ۹۵ درصد اطمینان پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری برای ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری یعنی شخصیت‌سازی، راهبرد بازی، انگیزه‌بخشی و تکنیک باشند.

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

رابطه مربی-ورزشکار رابطه مثبت و معنی داری بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری دارد. بنابراین، ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری با ۹۵ درصد اطمینان از روی مطالعه رابطه مربی-ورزشکار در سه متغیر نزدیکی، تعهد و مکمل بودن، قابل پیش بینی است. هر سه این متغیرها، سهم نسبتاً برابری را در پیش بینی مؤلفه ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که ورزشکاران به وجود سوءرفتار از سوی مربیان خود اذعان داشتند. بر اساس این نتایج، سوءرفتار مربی تاثیر مثبتی بر رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری مربیان ندارد. با این حال، یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم این رفتارهای مربیان، ورزشکاران کماکان آن‌ها را در امر مربیگری اثربخش تلقی کرده‌اند. از آن‌جا که اثربخشی مربیگری ورزش با نتایج موفقیت‌آمیز ورزشکار در تعامل است، چنین به نظر می‌رسد که ورزشکاران موفقیت و پیشرفت خود را در بسکتبال نتیجه رفتارها و شیوه‌های مربیگری مربیان خود و ناشی از اثربخش بودن مربیگری می‌دانند (بویسن، ۲۰۱۸: ۶) و بنابراین، با استفاده از اثربخش بودن فرآیند مربیگری، سوءرفتارهای مربیان را توجیه می‌کنند (بویسن، ۲۰۱۸: ۶؛ تیمپکا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱).

سوءرفتار به صورت الگویی از خشونت فیزیکی، جنسی و عاطفی یا بی‌توجهی توسط فرد صاحب قدرت (مثل والدین و مربی) است که منجر به آسیب واقعی یا بالقوه در ورزشکار می‌گردد. این مطلب روشن است که ورزشکاران، به‌لحاظ تجربه سوءرفتار، اذیت و آزار و زورگویی آسیب‌پذیرند (استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷). رفتارهای مربی که در پژوهش‌ها با عنوان «سوءرفتار» تعریف می‌شوند، از سوی ورزشکاران کاملاً طبیعی و رفتارهایی به‌نجار تلقی می‌شوند. در نتیجه، اغلب ورزشکاران علی‌رغم تجربه چنین رفتارهایی در مربیگری، آن‌ها را سوءتعبیر نمی‌کنند (سولستاد^۱ و استراندبو^۲، ۲۰۱۹: ۶۲۵؛ استفورد و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۸۷)؛ اما داده‌ها نشان دادند که این دست تجربه‌های ورزشکاران از سوءرفتار مربیان نیز تاثیری منفی بر

1 Solstad
2 Strandbu

رابطه‌شان با مربی باقی گذاشته است (هانا و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۷۹؛ ایزوآرد-گوتور^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۰؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۸۵). و از آن جا که سطوح سودمندی مربیگری (همچنین سودمندی ورزشکار) از کیفیت رابطه مربی- ورزشکار تاثیر می‌پذیرد (بویسن، ۲۰۱۸: ۶؛ آدی و جووت، ۲۰۱۰: ۲۷۵۰) اثربخشی مربیگری تنها منوط به کاربرد مؤثر مجموعه‌ای از فرآیندهای متداوم نیست، بلکه به تعاملات میان مربی و ورزشکار و نیز شرایط وابسته است (ایزوآرد-گوتور و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۰؛ جوهانسون^۲، ۲۰۱۷: ۲۰۱۷؛ هاگی‌وارا و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۱).

سوءرفتار مربیان به نوعی نقض حقوق بشر تلقی می‌شود و باید به هر قیمتی از آن جلوگیری شود (ماریتز^۳، داست^۴ و رسیک^۵، ۲۰۱۴: ۷۳۷)، چرا که عواقب فوق‌العاده مضر آن بر جنبه‌های مختلف روانشناسی، جامعه‌شناختی و همچنین جنبه‌های عملکردی برای ورزشکاران و بازیکنان تایید شده است (مونت‌جوی، ۲۰۲۰: ۳۶۷). علی‌رغم تعهد کشورها به معاهده سازمان ملل در مورد اهمیت حقوق و سلامت و امنیت فردی و افزایش نگرانی جهانی در مورد نقض آن‌ها (دفریز و اسمیت، ۲۰۱۴: ۶۱۹) به نظر می‌رسد که بخش ورزش عجله‌ای برای پیگیری و اجرای دستورالعمل‌های این معاهده از خود نشان نمی‌دهد، حتی با وجودی که پرونده‌های خبرسازی مبتنی بر اعمال سوءرفتار مربیان علیه ورزشکاران، به ویژه در سطوح نخبه، مطرح و تشکیل شد (هارتیل^۶ و لنگ^۷، ۲۰۱۵: ۴۷۹).

ورزشکاران شخصی‌ترین رابطه را در ارتباط با مربیشان در طول دوران ورزشی شان تجربه می‌کنند و اغلب از مربیانشان برای روابط آینده شان الگو برداری می‌کنند. اما برای مربیان بسیار سخت است که از رفتارهای موثر مبتنی بر همدلی، دادن توجه، احترام، پشتیبانی، حمایت، پذیرش، پاسخ‌گویی، دوستی، همکاری (جوهانسون، ۲۰۱۷: ریند^۸ و جووت، ۲۰۱۰: ۱۰۶؛ استرلینگ، ۲۰۰۹: ۱۰۹۱) الگو برداری کنند و

1 Isoard-Gauthier

2 Johansson

3 Mawritz

4 Dust

5 Resick

6 Hartill

7 Lang

8 Rhind

از تمرینات مربیگری سنتی که تنها برپایه پیشرفت‌های فیزیکی، تکنیکی و تاکتیکی ورزشکار است، فراتر بروند و افق‌های جدیدی را برای ایجاد یک همکاری فیزیکی و روانشناسی عادی با ورزشکارانشان و یک رابطه مربی-ورزشکار با کیفیت امتحان کنند (بالزاده، ۲۰۱۱: ۱۱۹؛ الکساندر، بلوم^۱ و تیلور^۲، ۲۰۲۰: ۴۸). علاوه بر این، کیفیت ارتباط بین ورزشکاران و مربیان آنها قلب فرآیند مربیگری است و تأثیر مستقیمی بر عملکرد ورزشکاران در تمام سطوح فنی، تاکتیکی، راهبردی، انگیزشی و نیاز به پیشرفت همه جانبه دارد. برای پیشرفت در این زمینه‌ها، ورزشکاران باید در کنار داشتن استعداد لازم، درک کنند که به سطح دانش مربی در حد قهرمانی احترام بگذارند و او را در اجرا و ارتقای عملکردشان موثر بدانند (الکساندر و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۸).

امروزه سوءرفتار در ورزش در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده است (سامرلی، ۲۰۱۹: ۱؛ تیمپکا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱؛ سولستاد و استرانبدو، ۲۰۱۹: ۶۲۵؛ مک هنری^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱؛ هارتیل و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۷۹؛ پرنٹ و فرانتیر، ۲۰۱۸: ۲۲۷). اگرچه هنوز سوءرفتار در محیط‌های ورزشی موضوع جدیدی است، اما شواهد کافی برای پیشگیری از میزان آنها و تدوین آیین‌نامه‌های رفتاری برای محافظت در برابر سوءرفتار نسبت به ورزشکاران وجود دارد. قبل از انجام اقدامات پیشگیرانه، ابتدا باید از رواج این گونه رفتارها اطمینان حاصل کرد. اگرچه تحقیقات کیفی، تجربیات سوءرفتار ورزشکاران را به دقت مورد بررسی قرار داده و داده‌های عمیقی را در این باره ارائه می‌دهند، اما ممکن است برای جمعیت بزرگتر توانایی پیش‌بینی و تعمیم نداشته باشد.

بخش اعظم ادبیات مربوط به سوءرفتار تنها دربردارنده شکل‌های مختلف سوءرفتار تجربه‌شده توسط ورزشکاران و بینش در مورد پیامدهای چنین رفتارهایی بر سلامت روانی و عملکردی قربانیان است (لافرینیر و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۴؛ کارلتون، ۲۰۱۶: ۴۰۹) که اغلب از مطالعات کیفی گزارش شده و گذشته‌نگر است. مقایسه مطالعات مختلف در ورزش به دلیل تفاوت در عواملی مانند تعریف، اخلاق و

1 Bloom
2 Taylor
3 McHenry

فرهنگ، روایی و اعتبار، ترس از گزارش و غیره کار ساده‌ای نیست و با توجه به فراوانی و ماهیت پیچیده مسئله سوءرفتار مربیان در ورزش‌های رقابتی، این مطالعه به‌طور عمده با هدف بررسی الگویی انجام شده است که تاثیرات سوءرفتار مربیان بر کیفیت روابط با ورزشکاران و درک ورزشکار از اثربخشی مربیگری را به شکل کمی پیش‌بینی می‌کند. این مطالعه بر روی نمونه‌ای از بازیکنان در سطح باشگاهی انجام شد که در زمان مطالعه هنوز درگیر ورزش بودند و در نتیجه حال‌نگر محسوب می‌شود و اطلاعات زمان وقوع را بررسی می‌کند.

سوءرفتار را نمی‌توان به عنوان یک رویداد واحد قلمداد کرد. سوءرفتار تجربه‌ای است که می‌تواند افراد درگیر با آن را با پیامدهای جسمی و عاطفی (یابه^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ ویلینسکی^۲ و مکیب^۳، ۲۰۲۱) مانند خود ارزیابی پایین (لیزینسکین، ۲۰۱۸؛ لافریر و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۴)، عزت نفس پایین، اختلال در خوردن غذا، ازدست دادن عملکرد یا کنار گذاشتن ورزش (لوپز^۴، دورن^۵ و پوسیگ^۶، ۲۰۱۹: ۱۳۰) یا حتی افکار خودکشی (یمپکا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱) تحت تاثیر قرار دهد.

جدا از رفتارهای خود آسیب‌زننده که باعث انصراف ورزشکار از ورزش مورد علاقه‌اش می‌شود، مورد آزار و سوءرفتار واقع شدن، به ارتباط میان فرد قربانی و فرد آسیب‌زننده (در اینجا مربی) آسیب وارد می‌سازد و قربانی اعتمادش را به مربی به عنوان پشتوانه‌ای برای پیشرفت از دست می‌دهد (کاوانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱)، اگرچه ممکن است سوءرفتار و آسیب برای به‌دست آوردن عملکرد رقابتی ضروری به نظر برسد، اما از بین رفتن اعتماد ورزشکار، برای رابطه مربی- ورزشکار مضر است (جرویس و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۷۲) و قبل از اینکه صدمه‌ای به ورزشکار وارد شود باید تشخیص داده و با آن برخورد شود.

تحقیق در حوزه آزار و اذیت و سوءرفتار در کشور ما بسیار نوپاست، اما با توجه به نقشی که الگوهای مربیگری به دور از رفتارهای سوء و آسیب‌زننده در حفظ سلامت و عملکرد ورزشکاران بازی

1 Yabe
2 Wilinsky
3 McCabe
4 Lopez
5 Dohrn
6 Posig

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

می‌کند و به منظور پیشگیری از مشکلات ناشی از این گونه رفتارها، لزوم تحقیقات بیشتر را پررنگ می‌کند، به ویژه اکنون که نگاه مجامع بین‌المللی نیز بیش از پیش به سمت حفاظت از ورزشکاران جلب شده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش در مورد بروز این گونه رفتارها و تاثیرات آن بر متغیرهای موفقیت ورزشی و سلامت جسم و روان ورزشکاران هر دو جنس (زن و مرد) نیز تسری یابد، زیرا آزار و اذیت و سوءرفتار در ورزش تنها منوط به ورزشکاران زن نیست و گزارشات متعددی از وقوع این رفتارها علیه ورزشکاران مرد نیز به دست آمده است.

علاوه بر این، با توجه به گزارشات متعدد از سوءرفتار مربیان در رشته‌های ورزشی انفرادی، توصیه می‌شود بروز این رفتارها و متغیرهای متأثر از آن‌ها در کسب نتایج در رشته‌های ورزشی انفرادی نیز مورد بررسی قرار گیرند، زیرا عوامل تاثیرگذار در پیشرفت و کسب موفقیت در رشته‌های ورزشی گروهی و انفرادی، گرچه مشابه‌اند، اما می‌توانند بسیار متفاوت باشند.

آموزش مفاهیم به مربیان و در اختیار قراردادن شیوه‌نامه‌ها و خط‌مشی‌ها، علاوه بر این که مربیان را در اتخاذ شیوه‌های رفتاری مطلوب و به دور از خشونت و رفتارهای سوء علیه ورزشکاران و نیز استحکام یک رابطه مبتنی بر تعهد، صمیمیت و مکمل بودن با ورزشکار توانمند می‌سازد، بلکه می‌تواند موجب ادراک مثبت ورزشکاران از اثربخشی مربیگری خود شود. بنابراین برگزاری سمینارها و وبینارهای آموزشی برای مربیان و سایر ذینفعان در همه سازمان‌های ورزشی (دولتی و غیردولتی)، یکنواختی جهان شمولی را در مورد تعاریف آزار و اذیت و سوءرفتار به دست می‌دهد که می‌تواند مربیان را در تعدیل رفتارهای خود در حرفه مربیگری و نیز مواجهه با افشای آزار و اذیت و سوءرفتار علیه ورزشکاران تجهیز کند. از طریق این آموزش‌ها می‌توان مرزهای مشخص ارتباطی میان مربی و ورزشکار را به شکل رسمی و نظام‌مند تعریف و محیط‌های در اصطلاح پرخطر مرتبط با سوءرفتار (مانند مسافرت و یا رختکن) را شناسایی کرد و خط‌مشی‌های حفاظت از ورزشکاران، روش‌های اجرایی و نظارت و ارزیابی اجرا و اثربخشی این خط‌مشی‌ها و ترویج ورزش ایمن از سوی سازمان‌های تصمیم‌گیرنده را تدوین کرد و در نتیجه بسیاری از این مخاطرات را کاهش داد.

از آنجا که سوءرفتار موضوع مطالعاتی جدیدی است، پیشینه‌چندانی در ایران در این باب وجود ندارد و با وجودی که این مسئله به نو بودن موضوع کمک می‌کند، محدودیتی برای محقق محسوب گردید. علاوه بر این، به

دلیل محدودیت‌های موجود در ورزش زنان برای به کارگیری مربیان مرد، در پژوهش حاضر نیز امکان بررسی ادراک ورزشکاران زن از اثربخشی مربیگری ورزش مربیان مرد وجود نداشته است. از دیگر محدودیت‌ها ترس از طرد شدگی از سوی مربی و حذف از تیم در صورت افشای مطالب، ممکن است مانع از پاسخ شفاف برخی بازیکنان به سوالات شده باشد.

منابع

- Adie, J. W., & Jowett, S. (2010). **“Meta-perceptions of the coach–athlete relationship, achievement goals, and intrinsic motivation among sport participants”**. *Journal of Applied Social Psychology*, 40(11):2750-73.
- Alexander, D., Bloom, G. A., & Taylor, S. L. (2020). **“Female Paralympic athlete views of effective and ineffective coaching practices”**. *Journal of Applied Sport Psychology*, 32(1):48-63.
- Aubert, B. A., Revard, S. & Patry, M. (2004). **“A transaction cost model of IT outsourcing”**. *Information and management*, 41(7): 921-932
- Balzadeh, A., Tohari, F., Kamkari, K. (2011). **“Standardization of Coach-Athlete Relationship Questionnaire. E (CART-Q)”**. *Olympic*, 19: 3, 119-131.
- Bandura, A. (1997). **Self-efficacy: the exercise of control**. New York Freeman
- Bolorizaeh, P. (2013). **“Structural equation modeling of the relation between coaches' Abuse, coach-athlete relationship and perceived coaching effectiveness”**. (Doctoral dissertation, Azad University-Central Tehran. School of Physican Education and Sports).
- Boysen, S. M. (2018). **“Coaching Effectiveness: Coach and Coachee Characteristics that Lead to Success”**. *Philosophy of Coaching: An International Journal* Vol. 3, No. 2, November 2018, 6-26.
- Carleton, E. L., Barling, J., Christie, A. M., Trivisonno, M., Tulloch, K., & Beauchamp, M. R. (2016). **“Scarred for the Rest of My Career? Career-Long Effects of Abusive Leadership on Professional Athlete Aggression and Task Performance”**. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 11;38(4):409–422.
- Davis, L., Appleby, R., Davis, P., Wetherell, M., & Gustafsson, H. (2018). **“The role of coach-athlete relationship quality in team sport athletes' psychophysiological exhaustion: implications for physical and cognitive performance”**. *Journal of sports science*, 36(17):1985-92.
- DeFreese, J. D., & Smith, A. L. (2014). **“Athlete social support, negative social interactions, and psychological health across a competitive sport season”**. *Journal of sport and exercise psychology*, 36(6):619-30.
- Eliasson, I. (2019). **“Emotional abuse in children's sport – coaches and children's perspectives”**. In proceedings of 16th EASS Conference. Norway.
- Fasting, K. (2005). **“Research on Sexual Harassment and Abuse in Sport”**. *Idrottsforum.org*. [Nordic Sport Science Forum] (www.idrottsforum.org 2005-04-05).
- Feltz, D. L., Chase, M. A., Moritz, S. E., & Sullivan, P. J. (1999). **“A conceptual model of coaching efficacy: Preliminary investigation and instrument development”**. *Journal of educational psychology*, 91(4):765.
- Fornell C, Larcker DF. **“Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error”**. *Journal of Marketing Research*.18(1):39-50.
- Fortier K, Parent S, Lessard G. (2020). **“Child maltreatment in sport: smashing the wall of silence: a narrative review of physical, sexual, psychological abuses and neglect”**. *British Journal of Sports Medicine*, 54:4-7.

- Gavin, H. (2011). "Sticks and stones may break my bones: The effects of emotional abuse". *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 20(5):503-29.
- Gervis, M. "An investigation into the emotional responses of child athletes to their coach's behaviour from a child maltreatment perspective". Doctoral dissertation, Brunel University School of Sport and Education.
- Hagiwara, Y., Sekiguchi, T., Yabe, Y., Momma, H., Tsuchiya, M., Kanazawa, K., ... & Nagatomi, R. (2018). "The characteristics of coaches that verbally and physically abuse young baseball players using a self-reported questionnaire". *Journal of Orthopaedic Science*. 24(2):361-367
- Hamlin, M. J., Wilkes, D., Elliot, C. A., Lizamore, C. A., & Kathiravel, Y. (2019). "Monitoring Training Loads and Perceived Stress in Young Elite University Athletes". *Frontiers in physiology*, 10, 34.
- Hampson, R., & Jowett, S. (2014). "Effects of coach leadership and coach-athlete relationship on collective efficacy". *Scandinavian journal of medicine & science in sports*. Apr;24(2):454-60.
- Hannah, S. T., Schaubroeck, J. M., Peng, A. C., Lord, R. G., Trevino, L. K., Kozlowski, S. W., Avolio, B. J., Dimotakis, N., & Doty, J. (2013). "Joint influences of individual and work unit abusive supervision on ethical intentions and behaviors: A moderated mediation model". *Journal of Applied Psychology*, 98(4):579.
- Hannah, S. T., Schaubroeck, J. M., Peng, A. C., Lord, R. G., Trevino, L. K., Kozlowski, S. W., Avolio, B. J., Dimotakis, N., & Doty, J. (2013). "Joint influences of individual and work unit abusive supervision on ethical intentions and behaviors: A moderated mediation model". *Journal of Applied Psychology*, 98(4):579.
- Hartill, M. & Lang, M. (2018). "Reports of child protection and safeguarding concerns in sport and leisure settings: An analysis of English local authority data between 2010 and 2015". *Leisure Studies*, 35, 479-499
- Hutcheson, G. D., & Sofroniou, N. (1999). *The multivariate social scientist: Introductory statistics using generalized linear models*. Sage
- Isoard-Gautheur, S., Trouilloud, D., Gustafsson, H., & Guillet-Descas, E. (2016). "Associations between the perceived quality of the coach-athlete relationship and athlete burnout: An examination of the mediating role of achievement goals". *Psychology of Sport and Exercise*. 2:210-7.
- Jewett, S., Ntoumanis, N. (2004). "The Coach-Athlete Relationship Questionnaire (CART-Q) Development and initial validation". *Scandinavian Journal of Medicine and Science in Sport*. 14(4):245-57
- Jowett, S. (2007). "Interdependence analysis and the 3 +1Cs in the coach-athlete relationship". In S. Jowett & D. Lavelle (Eds.), *Social psychology in sport* (15-28). Champaign, IL: Human Kinetics.
- Jowett, S., & Arthur, C. (2016). "Effective coaching: The links between coach leadership and coach-athlete relationship—From theory to research to practice". In M. H. Anshel, T. A. Petrie, & J. A. Steinfeldt (Eds.), *APA handbooks in psychology series. APA handbook of sport and exercise psychology, Sport psychology*. American Psychological Association. 2019; 1:419-449.
- Johansson, S. (2017). "Sexual Relationships between Athletes and Coaches: Love, Sexual Consent, and Abuse". Doctoral dissertation, Gymnastik-och idrottshögskolan, GIH.
- Kavanagh, E., Adams, A., Lock, D., Stewart, C., & Cleland, J. (2020). "Managing abuse in sport: An introduction to the special issue". *Sport Management Review*, 0: 1-9.
- Kavussanu, M, Boardley, I. D, Jutkiewicz, N, Vincent, S, and Ring, C. (2008). "Coaching Efficacy and Coaching Effectiveness: examining their predictors and comparing coaches' and athletes' reports". *The Sport Psychologist*. 383-404.
- Kerr, G.A. & Stirling, A.E. (2008). "Child protection in sport: implications of an athlete-centered philosophy". *Quest*, 60: 307-323.

- Kerr, G. & Stirling, A. (2019). **“Where is safeguarding in sport psychology research and practice?”** Journal of Applied Sport Psychology, 31, 367-384
- Lafreniere, M., Jowett, S., Vallerand, R., & Donahue, E., & Lorimer, R. (2008). **“Passion in Sport: On the quality of the coach-athlete relationship”**. Journal of Sport & Exercise Psychology, 30, 541-560.
- Lafrenière, M. A., Jowett, S., Vallerand, R. J., & Carbonneau, N. (2011). **“Passion for coaching and the quality of the coach–athlete relationship: The mediating role of coaching behaviors”**. Psychology of Sport and Exercise, 12(2):144-152.
- Lisinskiene A. (2018). **“The effect of a 6-month coach educational program on strengthening coach-athlete interpersonal relationships in individual youth sport”**. Sports, 6(3):74.
- Longstaff, F., & Gervis, M. (2016). **“The Use of Counselling Principles and Skills to Develop Practitioner-Athlete Relationships by Practitioners Who Provide Sport Psychology Support”**. Sport Psychologist, 30(3), 276-289.
- Lopez, Y. P., Dohrn, S., & Posig, M. (2019). **“The effect of abusive leadership by coaches on Division I student-athletes’ performance: The moderating role of core self-evaluations”**. Sport Management Review, 23(1): 130-141.
- Mawritz, M. B., Dust, S. B. & Resick, C. J. (2014). **“Hostile climate, abusive supervision, and employee coping: Does conscientiousness matter?”** Journal of Applied Psychology, 99(4):737.
- McHenry, L. K., Cochran, J. L., Zakrajsek, R. A. & Fisher, L. A. (2019). **“Elite figure skaters’ experiences of harm in the coach-athlete relationship: A person-centered theory perspective”**. Journal of Applied Sport Psychology, 18:1-21.
- McMahon, J., & McGannon, K. R. (2019). **“Acting out what is inside of us: Self-management strategies of an abused ex-athlete”**. Sport Management Review, 23(1): 28-38.
- Mountjoy M, Vertommen T, Burrows K, et al . (2020). **“SafeSport: safeguarding initiatives at the Youth Olympic Games 2018”**. British Journal of Sports Medicine. 54:176-182.
- Mountjoy M. (2020). **“Time2Act: Harassment and abuse in elite youth sport cultur”**. British Journal of Sports Medicine, 54:367-368.
- Nicholls, A. R., Levy, A. R., Jones, L., Meir, R., Radcliffe, J. N., & Perry, J. L. (2016). **“Committed relationships and enhanced threat levels: perceptions of coach behavior, the coach–athlete relationship, stress appraisals, and coping among athletes”**. International Journal of Sports Science & Coaching, 11(1):16-26.
- Parent, S. & Fortier, K. (2018). **“Comprehensive overview of the problem of violence against athletes in sport”**. Journal of Sport & Social Issues, 42: 227-246
- Rhind, D. J., & Jowett, S. (2010). **“Relationship maintenance strategies in the coach-athlete relationship: The development of the COMPASS model”**. Journal of applied sport psychology, 22(1):106-21.
- Solstad, G. M., & Strandbu, A. (2019). **“Culturally framing ‘safe sport’: on political mobilisation against abuse in Zambian sport”**. International Journal of Sport Policy and Politics, 11(4):625-637.
- Stafford, A., & Alexander, K., & Fry, D. (2013). **“Playing through pain: Children and young people’s experiences of physical aggression and violence in sport”**. Child abuse review, 22(4):287-99.
- Stirling, A. E. (2009). **“Definition and constituents of maltreatment in sport: establishing a conceptual framework for research practitioners”**. British journal of sports medicine, 43(14), 1091-1099.
- Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2008). **“Elite female swimmers’ experiences of emotional abuse across time”**. Journal of Emotional Abuse. 7(4), 89-113.
- Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2013). **“The perceived effects of elite athletes’ experiences of emotional abuse in the coach–athlete relationship”**. International Journal of Sport Exercise Psychology, 11(1), 87-100.

- Stirling, A. & Ker, G.(2014). **“Initiating and sustaining emotional abuse in the coach-athlete relationship: An ecological transactional model of vulnerability”**. Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma, 23, 116-135
- Summerley, R. (2019). **“The Development of Sports: A Comparative Analysis of the Early Institutionalization of Traditional Sports and E-Sports”**. Games and Culture, 15(10):1-22.
- Timpka, T., Spreco, A., Dahlstrom, O., et al. (2020). **“Suicidal thoughts (ideation) among elite athletics (track and field) athletes: associations with sports participation, psychological resourcefulness and having been a victim of sexual and/or physical abuse”**. British Journal of Sports Medicine. 0:1-9.
- Vertommen, T., Kampen, J., Schipper-van Veldhoven, N., Wouters, K., Uzieblo, K., & Van Den Eede, F. (2017). **“Profiling perpetrators of interpersonal violence against children in sport based on a victim survey”**. Child abuse and neglect, 63, 172-182.
- Vertommen, T., Schipper-van Veldhoven, N., Wouters, K., Kampen, J. K., Brackenridge, C. H., Rhind, D. J., . . . Van Den Eede, F. (2016). **“Interpersonal violence against children in sport in the Netherlands and Belgium”**. Child abuse and neglect, 51, 223-236.
- Wilinsky, C., McCabe, A. (2020). **“A review of emotional and sexual abuse of elite child athletes by their coaches”**. Sports Coaching Review.
- Yabe, Y., Hagiwara, Y., Sekiguchi, T., Momma, H., Tsuchiya, M., Kuroki, K., . . . Yoshida, S. (2018). **“The Characteristics of Coaches that Verbally or Physically Abuse Young Athletes”**. The Tohoku journal of experimental medicine, 244(4), 297-304.
- Yaghmaie, F. (2003). **“Content validity and its estimation”**. Journal of Medical Education, 3(1): 25-27.

